

تفکرات مشترک سقراط و یوسف خاص حاجب در باب حکمت و تقوی

• عمر ائلچی اوغلو و حلمی اؤزدم
• ترجمه: محمدرضا محمدزاده^۱

ÖZET: Ömer ELÇİOĞLU ve Hilmi ÖZDEM, Çev. Muhammed Rıza MUHAMMEDZADE, "Hikmet ve Teqva Qonusunda Soqrat ve Yusuf Xas Hacib'in Ortaq Düşünceleri, *Varlıq: Üç Aylık Türk Dili, Edebiyatı ve Kültürü Dergisi*, İkinci Dönem, Sayı: 4 (Bahar 2016), ss. 65-74

Devlet, bilim ve siyaseti qoruma qayğısı ve her birinin temel özellikleri hem Soqrat hem de Yusuf Xas Hacib'in diqqetini çekmiş ve onun gerçekleşmesi yolları, evrensel deyerler ve exlaqda bulunmuşdur.

Bu çalışmada, Soqrat ve Yusuf Xas Hacib'in hikmet ve teqva qonusundaki ortağ düşüncelerini beyan etmeye çalışılmışdır.

Açar Sözcükler: Soqrat, Yusuf Xas Hacib, Teqva, Hikmet.

چکیده: عمر ائلچی اوغلو و حلمی اؤزدم، ترجمه: محمدرضا محمدزاده، "تفکرات مشترک سقراط و یوسف خاص حاجب در باب حکمت و تقوی"، *وارلیق: فصلنامه زبان، ادبیات و فرهنگ ترکی*، دوره دوم، شماره ۴ (بهار ۱۳۹۵)، صص. ۶۵-۷۴

دغدغه حفظ دولت، دانش و سیاست و طرح کردن بنیان‌های هر کدام از آنها هم توسط سقراط و هم یوسف خاص حاجب مورد توجه قرار گرفته است و راه‌کارهای مورد نظر برای آنها در ارزش‌ها و اخلاق جهان‌شمول یافت شده بود.

این پژوهش درصدد است تا اندیشه‌های مشترک سقراط و یوسف خاص حاجب در خصوص حکمت و تقوی را تبیین کند.

کلیدواژه‌ها: سقراط، یوسف خاص حاجب، تقوی، حکمت.

^۲ دانشجوی حقوق دانشگاه پردیس فارابی، شهر قم

مقدمه

جامعه‌شناسی به نام زیمرمان استدلال می‌کند که جهان در قرن بیستم شاهد چهار تغییر اساسی بوده: ۱- کاهش فواصل و پیشرفت تکنولوژی که امپریالیسم فرهنگی- اخلاقی را میسر ساخته. ۲- طبقات اجتماعی و تغییر در معیارها جهت ارزیابی این طبقات که منجر شد به دادن اهمیت بیشتر به روشنفکران و دانشمندان. ۳- تغییر در کنترل و جمعیت سرزمین‌ها. ۴- ظهور روانشناسی مبتنی بر تحسین تمدن‌های پیشین، این تحسین موجب بروز نوعی تغییر بنیادین در ذهنیت افراد شد (یامان ۱۹۷۶، قوتقان ۱۹۸۴). همان گونه که شاهکارهای ادبی-هنری که دنیای شرق و غرب به بشریت ارائه کرده بودند بهتر شناسایی شدند، هویت فرهنگی ترکی که عناصری از کلیه فرهنگ‌ها بود بهتر درک شد (یامان ۱۹۷۶).

کتاب قوتادغو بیلگ (حکمت ملوکانه) توسط یوسف خاص حاجب (۱۰۶۹-۱۰۱۸) در قرن یازدهم به نظم درآمد. این اثر متأثر از اسطوره‌های ترکی، تاریخ و فرهنگ ترک و همچنین متأثر از مذاهب باستانی ترکان و تمدن هندی، چینی و ایرانی است. چهار مفهوم اساسی در کتاب قوتادغو بیلگ وجود دارد:

خاص حاجب در ابتدای کتاب (ابیات ۵۸-۳۵۳) در باب چهار مفهوم انتزاعی صحبت می‌کند که هر کدام از این‌ها توسط یکی از چهار کاراکتر زیر نمایانده شده‌اند.

نام	عنوان، پیشه	اصل، مسلک
خورشید در حال طلوع (گون‌طوغدی: خورشید طلوع کرده)	پادشاه	عدالت
ماه کامل (آی‌طولدی: ماه کامل شده)	وزیر	اقبال، بخت
ممدوح (اؤگدولمیش: ستایش شده)	حکیم	خرد(عقلانیت)
هشیار، آگاه (اودگورمیش: هشیار)	زاهد	هدف‌گایی انسان

هر شخص نمایانگر یکی از مفاهیم بالا است و نظرات و عقایدی راجع به مفاهیمی همچون دولت، سیاست، جامعه، حرف و اصول اخلاقی در گفتگو میان این شخصیت‌های چهارگانه مورد تبیین واقع می‌شود (آرات ۱۹۷۰: ۲۲-۲؛ دانکوف ۱۹۸۳).

اهمیت کتاب یوسف خاص حاجب به طرح گفتمانی آن نیست. آنچه اهمیت کتاب را معین می‌کند مفهوم گفت و گوها است. این پژوهش درصدد است تا به بیان عقاید مشترک یوسف خاص حاجب و سقراط در باب عقلانیت و تقوی بپردازد.

یوسف خاص حاجب (۱۰۶۹-۱۰۱۸) و قوتادغو بیلگ

در میان نویسندگان آثار ادبی ترکی- اسلامی که آثارشان به دست ما رسیده، می‌توان گفت یوسف خاص حاجب اولین نویسنده در حوزه ادبیات ترکی- اسلامی است. وی در اوایل قرن یازدهم میلادی در بالاساغون ترکستان زاده شد. این شهر در زمره اندک مراکز تمدنی در دوره قاراخانی می‌باشد. یوسف خاص حاجب دانشمندی بود که از علم و دانش بهره‌ی بسیاری داشت، فیلسوف و هنرمندی که به اهمیت عقلانیت و حکمت واقف بود و از اندیشه و قلم خوبی برخوردار بود. مرکز دولت قاراخانی شرقی در سال ۱۰۴۰-۱۰۶۹ شهر کاشغر بود. یوسف در بالاساغون به سردون کتاب شروع کرد و پس از هجده ماه تلاش آن را در کاشغر به فرجام رساند و اثر خود را در سال ۱۰۷۰ به سلطان قاراخانی، تاوغاچ بوغرا ابوعلی حسن بن سلیمان ارسلان تقدیم نمود. قوتادغو بیلگ اثری تعلیمی است که به ترکی خاقانی نوشته شده است.

سلطان که شخصی روشنفکر بود اثر را مورد تحسین و یوسف را مورد لطف قرار داده و او را به عنوان خاص حاجب (به معنی مشاور ارشد) مفتخر نمود. کتاب به سبک و سیاق سایر اشعار کلاسیک ترکی با ستایش الله و محمد(ص) شروع می‌شود. قوتادغو بیلگ مشتمل بر ۸۸ فصل و ۶۶۴۵ بیت می‌باشد (دانکوف ۱۹۸۳).

نظریات متعددی در معنای ادبی عنوان کتاب بیان شده است. بنا به نظر برخی محققین «دانش سعادت» و بنا بر نظر برخی دیگر «حکمتی که سعادت به همراه دارد و مردم را در دنیا و آخرت به سعادت می‌رساند.» چنین حکمتی برای بشریت اندیشه، علم و تقوی به همراه دارد و این‌ها جهت سازماندهی هر چه بهتر حیات شخص، جامعه و دولت که ارتباط تنگاتنگی باهم دارند لازم می‌باشد. یوسف در این اثر خود نظامی فلسفی از زندگی ارائه داد که زندگی بشر را تجزیه و تحلیل می‌کند و وظایف افراد بشر را به عنوان عضوی از جامعه و دولت معین می‌کند.

تا کنون سه نسخه از قوتادغو بیلگ یافت شده است.

۱ - نسخه وین (به الفبای اویغوری): این نسخه به سال ۱۴۳۹ در هرات یافت شده است. ابتدا به توکات و پس از آن به استانبول منتقل شده بود. هامر که این نسخه را از یک کتابفروشی در استانبول خریده بود، به کتابخانه ملی وین اهدا کرد.

۲ - نسخه قاهره (به الفبای عربی): این نسخه توسط مدیر آلمانی کتابخانه‌ای در قاهره به نام دکتر موریس در ۱۸۹۶ یافت شد.

۳ - نسخه فرغانه (به الفبای عربی): این نسخه را زکی ولیدی طوغان در نمندگان فرغانه در ترکستان یافته است.

بنیاد زبان ترکی هر سه نسخه را بین سال‌های ۱۹۴۳-۱۹۴۲ منتشر کرد. این کتاب در ۱۹۴۷ توسط رشید رحمتی آرات به ضمیمه متنی انتقادی ترجمه شد و در ۱۹۵۹ به چاپ رسید. فهرست راهنمای آن نیز در ۱۹۷۹ به چاپ رسید.

در این پژوهش ویرایش دوم ترجمه آرات و ترجمه انگلیسی رابرت دانکوف تحت عنوان «حکمت ملوکانه (قوتادغو بیلگ) آینه‌ای ترکی-اسلامی برای پادشاهان» مورد استفاده قرار گرفته‌اند. تحقیقات بعدی ما نیز بر اساس همین نسخه‌ها خواهد بود (آرات ۱۹۷۰؛ دانکوف ۱۹۸۳).

حکمت: معمولا حکمت حاصل رابطه میان اوژه و سوژه می‌باشد که خود تمایل ارادی سوژه بدین رابطه می‌باشد. می‌توان آن را این گونه تعریف کرد: حکمت ناظر است بر نوعی دقت و مشغله که در عین حال ناظر است بر نوعی دقت و وظیفه که خود دریافت روشنی از امور توأم با آگاهی می‌باشد (دانکوف ۱۹۸۳).

حکمت در قوتادغو بیلگ

قوتادغو بیلگ علاوه بر چهار مفهوم اساسی که در ابتدا بدان‌ها اشاره کردیم، مفاهیم مختلفی را شامل می‌شود. مفاهیمی که قوتادغو بیلگ شامل آن‌ها می‌شود عبارتند از: بیلگ‌لیک (حکیم بودن)، قوتلولوق (اقبال، بخت)، کؤنللیک (صداقت، عدالت)، اردم (تقوی)، ادگو (مهربان بودن و مهر ورزیدن)، آسیغلیغ (یار و مددکار بودن)، عشق، وفاداری، سخاوت، شجاعت، صبر و تواضع. مفاهیم مذکور در زمره مفاهیم اخلاقی مثبت قرار دارند در حالی که دروغ‌گویی، عجول بودن، جهالت، فرومایگی و خست و حرص در زمره مفاهیم اخلاقی منفی قرار می‌گیرند.

یوسف خاص حاجب معتقد است که وظیفه اصلی ما فراگیری حکمت است. در کتاب قوتادغو بیلگ در باب این نگرش چنین گفته شده است:

«حکمت آموزید و بر مسند شرف بنشینید»-(بیت ۶۶۰۵)

«حکمت قلعه‌ای تاریک است. قلب و زبان بدون حکمت هیچ خیری به هیچ چیز نمی‌رسانند، ولی با دانش آن‌ها همچون آب مفید و سودمندند برای هر چیزی»-(بیت ۶۶۰۶)

«هر چقدر هم حکمت آموخته باشی، باز هم جوای حکمت باش، زیرا که مرد حکیم با جستجو و پرسش به هدف خود می‌رسد»-(بیت ۶۶۰۷)

«حکمت آموز و روح خود را به اوج رسان و به انسانیت دست یاب. در غیر این صورت حیوان خواهی بود و خود را جدای از بشریت دان»-(بیت ۶۰۱۱)

اندیشه‌های یوسف خاص حاجب که بیان شدند بدین جهت که معنی و مفهوم حکمت را آشکار می‌کنند از اهمیت بالایی برخوردارند. از آن جایی که میل به داشتن اخلاقیات مثبت و عملکرد صحیح

معرف تقوی می‌باشند، ناگزیر تقوی را باید از صفات ویژه بشر به شمار آوریم. کتاب قوتادغو بیلگ به روشنی تبیین می‌کند که حکمت انسان‌ها را به تکامل و تعالی نزدیک‌تر می‌سازد، روح آن‌ها را به سوی خیرخواهی و سودمندی هدایت می‌کند. این عقیده در انطباق با این عبارت سقراط است: «تقوی حکمت است».

سقراط معتقد است که هر تقوایی حکمت است. شخصی که قادر به تشخیص خیر از شر باشد با تقوی، عادل و شجاع است. حکمتی که انسان را به سعادت می‌رساند حکمت خیر و مفید است (پپیور ۱۹۹۹؛ آیدین ۲۰۰۸). سقراط خوبی را مرادف با زیبایی و سودمندی می‌داند. اعمالی که زندگی را مطلوب و عاری از درد و رنج و زیبایی می‌نمایند زیبا هستند، هر عمل زیبا و پسندیده‌ای مفید و مطلوب است. سقراط معتقد است هر عملی که در راستای رسیدن به هدفی مفید واقع نمی‌شود، بی‌فایده است. هر چیزی زیبا و نیکوست زیرا که مفید و سودمند است. کسانی که آگاه به وجود اعمالی بهتر از اعمالی که آن اشخاص عموماً بدان مشغول هستند آگاهند، از انجام اعمال بهتر خودداری نمی‌کنند. فلاسفه در طول تاریخ فلسفه تعاریف متعددی از عقلانیت و حکمت ارائه داده اند (نیوتال ۱۹۹۷).

حکمت در قوتادغو بیلگ چنین تعریف شده است:

«عقل همچون مشعلی در شب تاریک است در حالی که حکمت خود چراغی است که تو را نورانی و روشن می‌سازد»- (بیت ۲۸۸)

«حکمت به مثابه کیمیاست، ثروت را در عقل که به منزله کاخ خود است انباشته می‌کند»- (بیت ۳۱۰)

«مشک و حکمت همچو یکدیگرند: بشر قادر نیست هیچ یک را مخفی نگاه دارد»- (بیت ۳۱۱)

«حکمت ثروتی است که به فقر نمی‌گراید (تبدیل نمی‌شود). دزد و شیاد بدان دست نتوانند یافت»- (بیت ۳۱۳)

علاوه بر این تعریفات، چنین نگرش‌هایی نیز در قوتادغوبیلگ موجود می‌باشند:

«تفاوت‌های بسیاری میان انسان‌ها می‌باشد، ولی منشا اصلی تفاوت در مقدار و میزان حکمت است»- (بیت ۲۰۱)

«از زمان هبوط آدم انسان حکیم واضع قانون بوده و در هر برهه‌ای از تاریخ حکمت جایگاهی رفیع داشته است»- (بیت ۲۲۰)

ارزش به عنوان یک معیار همیشه میان آنچه که هست و آنچه که باید باشد تمیز قائل می‌شود و همیشه به مثابه چیزی مثبت یا منفی در نظر گرفته شده است. این رویکرد قوتادغوبیلیگ حکمت را به عنوان ارزش معرفی می‌کند (بیت ۲۰۱).

جایگاه خاص مرد حکیم در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند حاکی از اهمیت مرد عاقل و حکیم است.

ارزش‌های اخلاقی که سقراط به تبیین آن‌ها پرداخته مفاهیمی هستند که عموماً نیک، مورد پذیرش و پایدار هستند و در هر شرایط و هر زمانی قابل قبول هستند و تحت تاثیر وقایع تغییر نمی‌پذیرند. ارزش‌هایی همچون تواضع، همکاری و تعاون، صداقت و عدالت، اطاعت از قانون نمونه‌هایی از ارزش‌های عمومی هستند که سقراط معتقد به وجود آن‌ها می‌باشد (جوینجی ۱۹۷۲؛ خنجرلی‌اوغلو ۱۹۸۲). در کتاب قوتادغو بیلیگ هم بدین ارزش‌ها اشاره شده است و یوسف خاص حاجب بدین عقیده است که آن‌ها به صورت بالقوه در درون انسان وجود دارند. مسئله مهم از قوه به فعل رساندن این ارزش‌ها می‌باشد، بعد از آن انسان به حقیقت زیبا و نیکو دست خواهد یافت. سقراط و یوسف خاص حاجب نظرات مشترکی راجع به ارزش‌های اخلاقی و چگونگی رسیدن به آن‌ها اظهار کرده‌اند.

ابیات زیر درباره حکمت که از قوتادغو بیلیگ نقل می‌شوند انعکاس‌دهنده سنن باستانی ترکان و ارزشی است که آنان برای حکمت و عقلانیت قائلند.

«قلب انسان همچون دریایی بی‌انتهاست و حکمت مرواریدی است که در انتهای آن خفته»- (بیت ۲۱۱)

«اگر انسان در بیرون آوردن مروارید موفق نباشد، فقط سنگریزه‌ای به عنوان مروارید صید خواهد کرد»- (بیت ۲۱۰)

ترکان مغز انسان‌های حکیم را همچون دریایی بزرگ می‌پندارند. در میان آنان چنین مصطلح است که هنگامی که می‌خواهند راجع به شخصی حکیم و تحصیل کرده صحبت کنند می‌گویند «مغز او همچون اقیانوس است» (اوگل ۱۹۸۹).

«تا زمانی که شخص حکیم حکمت و دانش خود را به زبان نیاورد، حکمت و خرد او برای سالیان مخفی خواهد ماند و سودمند نخواهد بود»- (بیت ۲۱۴)

از شخص حکیم و خردمند انتظار می‌رود که حکمت خویش را در راه منافع جامعه به کار برد. شکل‌گیری جامعه‌ای سالم در الگوهای انسانی و مفاهیم معرفی شده در قوتادغوبیلیگ از اهمیت برخوردارند. و این مهم صرفاً یکی از ارزش‌های جهانی است که در کتاب قوتادغوبیلیگ به بشریت معرفی شده. ابیات زیر شاهدهی بر وجود ارتباط میان حکمت و مزایای آن می‌باشد.

«تمامی چیزهای نیک نمایانگر حکمت هستند و ضرب‌المثلی است که می‌گوید که با حکمت به آسمان‌ها راه می‌توان یافت»- (بیت ۲۰۸)

«تمامی سخنان را با حکمت و خرد بر زبان آور و بدان حکمت به تنهایی بزرگی می‌آورد»- (بیت ۲۰۹)

ممکن نیست کسی عامدانه کاری شرورانه و یا کاری که می‌داند شرورانه است انجام دهد. در واقع خلاف طبیعت بشر است که شخص شرور را نیک پندارد. تنها سوالی که ذهن سقراط را به خود مشغول کرده بود این بود که «روش صحیح زندگی چیست؟» وی تنها به دلیل دغدغه‌های اخلاقی به دنبال حقیقت مفهومی می‌گردد. توسعه فردی- اخلاقی با حکمت و دانش مساوی می‌باشد. حقیقت عام‌الشمول در صورتی یافت می‌شود که تحقیقاتی واضح و مطمئن در رابطه با آگاهی از اصول اخلاقی به عمل آیند. جهالت که در کتاب قوتادغوبیلیگ به اشکال مختلفی تعریف شده است در زمره مفاهیم اخلاقی منفی قرار گرفته است. جهالت را می‌توان بدین گونه تعریف کرد: عدم آگاهی یا محرومیت مطلق و یا نسبی از دانش.

چنان که در ابیات زیر گفته شده، جهالت نوعی بیماری است:

«معنای حکمت را بدان و ببین که حکمت چه می‌گوید: هر آنکه حکمت آموزد بیماری از او دور می‌شود»- (بیت ۱۶۵)

«انسان بی‌حکمت همواره بیمار می‌باشد در صورتی که علاجی برای این بیماری یافت نشود، انسان به زودی می‌میرد»- (بیت ۱۵۷)

بیت بعدی دغدغه پایان دادن به جهالت را بیان می‌کند:

«برو ای نادان و برای بیماری خود درمان بیاب و تو ای حکیم دانا درمان جهالت را بیاب»- (بیت ۱۵۸)

به زعم سقراط حکمت افراد را به سمت عملکرد صحیح رهنمون می‌شود. و جهالت آن‌ها را به سمت عملکرد ناصحیح سوق می‌دهد. پس بنابراین شخصی که به خودشناسی رسیده کارهایی که به حال وی مفید می‌باشند را انجام می‌دهد. در حالی که شخصی که نسبت به خود معرفت ندارد، مرتکب اعمالی زیان‌بار می‌شود (جویرجی ۱۹۷۲؛ آقارسو ۱۹۸۲). حکمت منشا تمامی اعمال اخلاقی ما و جهالت بنیان تمامی اشتباهات ماست (پلگریو ۱۹۸۱). به همین ترتیب در کتاب قوتادغوبیلیگ نیز حکمت منشا تمامی اعمال اخلاقی ما است.

ابیات زیر که از کتاب قوتادغوبیلیگ انتخاب شده‌اند تشابه افکار سقراط و یوسف خاص حاجب را درباره حکمت نشان می‌دهند:

«بدان که حکمت و عقل بزرگ می‌باشند. این دو بنده برگزیده را به اوج می‌رسانند» (بیت ۱۵۳)

«عقل و ادراک فواید بسیاری برای انسان دارد، هر آنکه حکمت آموزد عزیز می‌شود.» (بیت ۱۶۰)

«انسان با عقل به اوج می‌رسد و با حکمت به بزرگی و با هر دو اعتبار و احترام می‌یابد» (بیت ۲۸۹)

سقراط و یوسف خاص حاجب

انسان بدان مفهوم که در بطن فلسفه مورد توجه قرار می‌گیرد، کسی است در جست و جوی پاسخ این پرسش که رابطه او با خود، جهان اطراف خود و جامعه چگونه است و چگونه باید باشد؟ و درصدد است تا مشخص کند ابعاد شخصی، اجتماعی و اخلاقی زندگی بشر را که این ابعاد در تعامل با جهانی که بسیاری از دیگر مردمان در آن زندگی می‌کنند و ارزش‌های اجتماعی بر آن مستولی است می‌باشند. مردم ایده‌آل‌ها و ارزش‌های جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند را می‌پذیرند. در طی این پروسه مقید شدن و فرایند جامعه‌پذیری تقریباً تمامی مردم به دلخواه داوطلبانه در تحقق ایده‌آل‌های جامعه مشارکت دارند و تلاش می‌کنند تا مطابق انتظارات جامعه زندگی کنند. سقراط این زندگی را بدون چون و چرا و غیر قابل اعتراض و اگزستانسیالیست‌های قرن بیستم آن را غیر واقعی می‌دانند (وارن ۱۹۹۷).

وقتی مردم چنین شیوه زندگی را می‌پذیرند، زندگی تحت کنترل آن‌ها نیست. پس زندگی توسط عوامل بیرونی کنترل می‌شود که آن‌ها را ناراحت می‌کند. پروراندن روح با توجه به نیازهای آن به معنای دانستن و آگاه بودن از روح، چیزهایی که ما را انسان می‌سازد و همچنین چیزهایی که طبیعت انسان را کامل می‌کند و بدان تحقق می‌بخشد. در این قسمت باید پند مشهور دیگری از فلسفه سقراط را یاد آور شویم: «خودت را بشناس» وقتی شخصی آگاه به ماهیت خویش، انگیزه‌هایی که او را برمی‌انگیزند، استعداد و توانایی‌هایش و هدف واقعی زندگی باشد، قادر خواهد بود به هدف نهایی زندگی خویش - خوش اقبالی - عملکرد معقول و حکیمانه مقرون به آگاهی دست یابد (ارسطو ۱۹۸۸؛ میگ ۲۰۰۰). سقراط مقایسه‌ای انجام می‌دهد بین یک زندگی اخلاقی خوش اقبال و هنرها و صنایع مختلف به منظور تبیین واضح‌تر ارتباط میان اقبال و حکمت. همان گونه که در کتب بسیاری بدان اشاره شده سقراط معتقد است که زندگی کردن خود هنر است. اگر ما خواهان یک زندگی درست و خوب هستیم ناگزیریم زندگی را همچون هنری پنداریم که هدف غایی آن خوش اقبالی است. راه‌کارهای ارائه شده برای دستیابی به خوش اقبالی که هدف زندگی است تقوی و فضایی چون تکامل است که شخصیت انسان‌ها را شکل می‌دهند. تقوی ارزش و یا فضیلتی است که هدایت می‌کند انسان‌ها را در مسیر دستیابی به اخلاقیاتی که منجر به فراهم آمدن سعادت می‌شوند، جایی که آن‌ها کاملاً ماهیت خود را بشناسند. تمام قوای بالفعل خویش را در زندگی به اجرا درآورند و به تکامل برسند. سقراط بر این باور است که تقوی طبق تعریفی که بالا از آن ارائه شد، برابر با حکمت است. «تقوی حکمت است» سخنی است که سقراط همواره تکرار می‌کرد.

اگر تقوی حکمت است چگونه حکمتی می‌باشد؟

واضح است که سقراط هر حکمتی را تقوی نمی‌پذیرد. حکمتی تقوی محسوب می‌شود که مردم را به خودشناسی و خوش اقبالی می‌رساند. حکمتی که تقوی است باید خیر باشد و به ما خیر رساند و زندگی را به زندگی بهتری متحول نماید.

به گفته سقراط حکمتی که باعث شناخت انسان‌ها نسبت به ماهیت خودشان می‌شود و آن‌ها را در رسیدن به اقبال کمک می‌کند، حکمتی است مرتبط با خیر و شر. حکمتی که برابر با خود تقوی است متعلق به خود شخص است. روش دوم تعریف تقوی این است که آن را برابر دانش و معرفت بدانیم. مردم به شناخت نیک و بد نمی‌رسند مگر آن که بدانند کیستند، به چه نیاز دارند و چه توانایی‌هایی دارند یا ندارند. ویژگی اساسی فلسفه اخلاقی سقراط فهمیدن روش یا دانش چگونگی دستیابی به ارزش‌های عام‌الشمول است. سقراط ارزش‌های اخلاقی عام‌الشمول را تحمیل نمی‌کند. او می‌خواهد که مردم خیر و نیکی را بشناسند و به بهترین نحو این راهکار را در زندگی خود به کار برند (آیدین ۱۹۹۴؛ چاغیرجی ۱۹۸۹). جامعه‌شناسی روس به نام سوروکین طبقه‌بندی از فرهنگ‌ها ارائه می‌دهد که دارای اهمیت است، وی فرهنگ‌ها را به فرهنگ‌های مادی‌گرا و اندیشه‌محور و آرمان‌گرایانه (کامل و صحیح) تقسیم می‌کند. سوروکین توضیح می‌دهد که فرهنگ‌های مادی‌گرا و اندیشه‌محور ناقص هستند و فرهنگ‌های آرمان‌گرا میان ارزش‌های مادی‌گرایانه و اندیشه‌محور سازش برقرار می‌کنند. دیدگاه‌ها و نارسایی‌های فرهنگ‌های مادی‌گرا و اندیشه‌محور در کتاب قوتادغوبیلیگ بازتاب نیافته است (بیلماز ۲۰۰۱). از دوران اساطیری تفکر ترکی به عنوان تفکری که در برگزیده واقعیت زندگی و جهان با رویکردی جامع و فراگیر بوده، موضوعاتی همچون خدا، آسمان، زمین، انسانیت، دولت بنیان‌های فرهنگ ما را در جامعه‌ای بدون طبقات اجتماعی برقرار نمود جامعه‌ای مرکب از مردمانی با شخصیت بزرگ که در کنار این شخصیت که بدان‌ها اهدا شده بود دارای فضایل اخلاقی قابل توجهی بودند. بنابراین واقعیت انسان و جامعه در فرهنگ ترکی دارای اهمیت والایی می‌باشد نیاز به وجود قراردادی اجتماعی عادلانه‌ای را نمایان کرد. جایگاه دولت و مردم، روابط میان آن دو و همچنین مفاهیم اخلاقی باید در این قرارداد به وضوح تبیین شوند. کتاب قوتادغو بیلگ در برگزیده تمام این موارد می‌باشد.

افکار ماتریدی (۹۴۴-۸۶۲ میلادی)، دانشمند مذهبی ترک اهل سمرقند، تاثیر زیادی بر زندگی اخلاقی مذهبی ترکان داشته است. ارزش منضم به آداب و رسوم گشت و افکار امام ماتریدی درباره توحید و یکتاپرستی ترکان و صوفیان را تحت تاثیر قرار داد. یوسف خاص حاجب تحت تاثیر نظام ماتریدی قرار گرفت، این نظام به توضیح و سازماندهی اصول دین اسلام به روشی علمی و معقول پرداخت. بر اساس نظریه اخلاقیات، خوبی، بدی و زیبایی توسط عقل درک می‌شوند. ارزش‌های اخلاقی از دیدگاه ماتریدی به دو گروه تقسیم می‌شوند، گروهی از آن‌ها تحت تاثیر اوضاع و احوال تغییر نمی‌کنند و گروهی دیگر در انطباق با شرایط و موقعیت‌ها تغییر می‌پذیرند. روش وی در تبیین ارزش‌های اخلاقی منجر می‌شود ما در افکار خود میان ارزش‌های اخلاقی مطلق و نسبی تمایز قائل

شویم (آیدین ۱۹۹۴). مطلقیت و نسبیت ارزش‌ها در کتاب *قوتادغو بیلگ* متعادل شده‌اند. تاثیر سقراط بر ماتریدی در فهم اخلاقیات در کتاب *قوتادغو بیلگ* قابل مشاهده است (چاگیرجی ۱۹۸۹). بشریت بسیار مدیون فلاسفه می‌باشند، هر چند بشریت زمانی به اقبال دست خواهند یافت که هر کس به جای عقاید شخصی افکاری جهان شمول را بپذیرد.

منابع:

- AKARSU, B. (1982). *Ahlak Öğretileri* (Principles of Ethics), Remzi Kitabevi, İstanbul.
- ARAT, R.R. (1970). "Kutadgu Bilig ve Türklük Bilgisi" (Kutadgu Bilig and Information About Turkish Nation), *Türk Kültürü* 1970; 98: 2-22.
- ARISTOTELES (1988). *Nilamakos'a Etik* (Ethics for Nikamakos), Yayına Haz. I. Kucuradı, Hacettepe Üni. Yay., Ankara.
- AYDIN, A. (2008). *Düşünce Tarihi ve İnsan Doğası* (History of Opinion and Habits of Human), Alfa Yay., İstanbul.
- AYDIN, M. (1994). *Din Felsefesi* (Philosophy of Religion), Selçuk Yay., İstanbul.
- ÇAĞIRCI, M. (1989). *İslam Düşüncesinde Ahlak* (Ethics in Islamic Opinion), İlahiyat Fak. Yay., İstanbul.
- CEVİZCİ, A (2002). *Felsefe Tarihine Giriş* (Introduction to History of Philosophy), Derleme ve Tercüme, Paradigma Yay., İstanbul.
- DANKFF, Robert (1983). Yusuf khass Hajib; *Wisdom of Royal Glory (Kutadgu Bilig) A Turco Islamic Mirror For Princes*, Translated with and Introduction and Notes. Chicago and London: The University of Chicago Press.
- HANCERLİOĞLU, O. (1982). *Felsefe Sözlüğü* (Dictionary of Philosophy), Remzi Kitabevi, İstanbul.
- KUTKAN, A. (1984). *Türk Milletinin Manevî Değerleri* (Turkish Nation's Moral Values), rkun Yay., İstanbul.
- MAGE, B. (2000). *Felsefenin Öyküsü* (Story of Philosophy), çev. B.S. Şener, Dost Yay., İstanbul.
- NUTTALL, J. (1997). *Ahlak Üzerine Tartışmalar* (Moral Questions and Introduction to Ethics), çev. Ayılmaz, Ayrıntı Yay., İstanbul.
- ÖGEL, B. (1989). *Türk Mitolojisi* (Turkish Mitology), Türk Tarih Kurumu Yay., Ankara.
- PELLEGRIO, E, (1981). *Thomasm DA. Philosophical Basis of Medical Practice*. Oxford University Press, New York.
- PIEPER, A. (1999). *Etüğe Giriş* (Einführung in Ethik), çev. V. Atayman, Ayrıntı Yay., İstanbul.
- RUSSELL, B. (1972). *Batı Felsefesi Tarihi* (History of West Philosophy), Antik Çağ, Bilgi Yay., İstanbul.
- WARREN, A.A. (1997). *Comprehensive History of Western Ethics*, New York.
- YAMAN, A. (1976). *Türk Kültürünün Ahlakî Değerleri*, (Ethics of Turkish Culture), Gerçek Yay.
- YILMAZ, G. (2001). *Yusuf Has Hacip ve Kutadgu Bilig Hakkında Ön Bilgi* (Introduction About Yusuf Has Hacip and Kutadgu Bilig), Kutadgu Bilig.